

جورج اورول

۱۹۸۴

ترجمہ می کاوہ میر عباسی

www.ketab.ir



دفتر چشمه

جهان کلاسیک

www.ketab.ir

سرشناسه: اورول، جورج، ۱۹۵۰-۱۹۰۳ م

Orwell, George

عنوان و نام پدیدآور: ۱۹۸۴ / جورج اورول؛ کاوه میرعباسی

مشخصات نشر: تهران، نشر چشمه، ۱۳۹۶

مشخصات ظاهری: ۳۴۹ ص

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۹-۹۳۱-۴

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: ۱۹۸۴

یادداشت: این کتاب در سال‌های مختلف توسط مترجمین و ناشرین متفاوت منتشر شده است.

عنوان گسترده: هزار و نهصد و هشتاد و چهار

موضوع: داستان‌های انگلیسی- قرن ۲۰ م

موضوع: English fiction -- 20th century

شناسه‌ی افزوده: میرعباسی، کاوه، ۱۳۳۵، مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ هـ ۸۷۴ الف / ZP۳

رده‌بندی دیویی: ۸۲۳ / ۹۱۲

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۵۰۰۷۰۰۲

رده‌بندی نشر چشمه: ادبیات - داستان غیر فارسی - رمان انگلیسی

۱۹۸۴

جورج اورول
ترجمه‌ی کاوه میرعباسی

ویراستار: احسان نوروزی

مدیر هنری: فواد فراهانی

لیتوگرافی: باختر

چاپ: تاجیک

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۷، تهران

چاپ بیست و هفتم: بهار ۱۴۰۱، تهران

ناظر فنی چاپ: یوسف امیرکیان

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر چشمه است.

هرگونه اقتباس و استفاده از این اثر، مشروط به دریافت اجازتی کتبی ناشر است.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۹-۹۳۱-۴

دفتر مرکزی نشر چشمه: تهران، خیابان کاکلی شمالی، تقاطع بزرگراه شهید گمنام، کوچه‌ی چهارم، پلاک ۲. تلفن: ۸۸۳۳۳۶۰۰ — کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی کریم خان: تهران، خیابان کریم خان زند، نیش میرزای شیرازی، شماره‌ی ۱۰۷. تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶ — کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی کورش: تهران، بزرگراه ستاری شمال، نیش خیابان پیامبر مرکزی، مجتمع تجاری کورش، طبقه‌ی پنجم، واحد ۴. تلفن: ۴۴۹۷۱۹۸۹ — کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی آرن: تهران، شهرک قدس (غرب)، بلوار فرهنگ، طبقه‌ی دوم، پلاک ۲. تلفن: ۷۵۹۳۵۴۵۵ — کتاب‌فروشی خیابان حافظ، نیش خیابان فخارمقدم، مجتمع تجاری آرن، طبقه‌ی ۲. تلفن: ۷۵۹۳۵۴۵۵ — کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی کارگر: تهران، خیابان کارگر شمالی، تقاطع بزرگراه شهید گمنام، کوچه‌ی چهارم، پلاک ۲. تلفن: ۸۸۳۳۳۵۸۳ — کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی جم: نیاوران، جماران، مجتمع تجاری جم‌سنتر، طبقه‌ی دوم، پلاک ۱۱. تلفن: ۲۶۴۵۰۸۷۲ — کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی بابل: بابل، خیابان شریعتی، روبه‌روی شیرینی‌سرای بابل. تلفن: ۳۲۳۳۴۵۷۱ (۰۱۱) — کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی دلشدگان: مشهد، بلوار وکیل آباد، بین وکیل آباد هجده و بیست (بین هفت تیر و هنرستان)، پلاک ۳۸۶. تلفن: ۳۸۶۷۸۵۸۷ (۰۵۱) — کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی رشت: رشت، خیابان معلم، میدان سرکل، ابتدای کوچه‌ی هفدهم. تلفن: ۲۱۴۹۸۴۸۹ (۰۹۰) — کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی البرز: کرج، عظیمیه، بلوار شریعتی، مرکز تجاری فرهنگی مهردادمال، طبقه‌ی پنجم. تلفن: ۳۵۷۷۷۵۰۱ (۰۲۶)

www.cheshmeh.ir

cheshmehpublication

cheshmehpublication

بخش کتاب چشمه: تلفن: ۷۷۷۸۸۵۰۲

پیش‌گفتار

جولین سایمون^۱

زندگانی جورج اورول در مقام نویسنده به دو دوره متمایز تقسیم می‌شود، و طرفه آن‌که خودش تاریخ دگرگونی را دقیقاً مشخص کرده. ۲۰ اوت ۱۹۳۹، شب قبل از انعقاد پیمان دوستی میان شوروی تحت فرمان استالین با آلمان تحت فرمان هیتلر، اورول خواب دید جنگی که همه‌ی بزرگسالان هم‌نسلش انتظارش را می‌کشیدند شروع شده، و پی برد که «ته دلم میهن پرست بودم، حاضر نمی‌شدم خرابکاری کنم یا علیه طرف خودمان دست به اقدام بزنم، از جنگ جانبداری می‌کردم، در صورت امکان، قدم به میدان مبارزه می‌گذاشتم.» رؤیایش فقط دو هفته بر واقعیت جنگ پیشی گرفته بود؛ گرچه وضعیت سلامتی اورول پیوستنش به نیروهای مسلح را ناممکن می‌ساخت، از اهداف جنگ پشتیبانی می‌کرد و با صلح‌سازشگرا نه مخالف بود.

تصمیمش با بیشتر آن‌چه تا آن هنگام گفته و نوشته بود تضاد داشت. فقط دو ماه پیش‌تر ابراز نظر کرده بود که «به اصطلاح دموکراسی» های بریتانیا و فرانسه «در ذات‌شان چیزی نیستند مگر مکانیسم‌هایی برای بهره‌کشی از نیروی کار ارزان»، و گفته بود یگانه

۱. Julian Simon (۱۹۱۲-۱۹۹۴): زندگی‌نامه‌نویس، مورخ اجتماعی، شاعر، پلیسی‌نویس و پژوهشگر انگلیسی که سال‌ها سرپرست مجموعه‌ی رمان‌های جنایی / معمایی انتشارات بنگوئن بود. از جمله‌ی مهم‌ترین آثارش می‌توان به زندگی‌نامه‌ی تاماس کارلایل، اعتصاب عمومی و داستان پلیسی در بریتانیا اشاره کرد.

راه چاره برای نجات بریتانیا از سلطه‌ی فاشیسم بیگانه یا فاشیسم خانگی رویه‌شد سر برآوردن حزبی مردمی بود که نخستین اقدامش «رد جنگ و اصلاح بی‌عدالتی‌های امپراتوری باشد.» در نامه‌ای که قاعدتاً مایه‌ی نگرانی‌گیرنده‌اش، هربرت رید منتقد هنری و آثارشست مسالمت‌جو، شد توصیه کرده بود آنان که با جنگ و فاشیسم ضدیت داشتند می‌بایست دستگاه چاپ بخردند و آن را «در مکانی امن» مخفی کنند تا وقتی زمانش رسید برای انتشار جزوه‌های انقلابی آماده باشند.

بر این اساس، اورول ناپایدار بود: اما این موضوع تازگی نداشت و زندگی‌اش تا آن شب کذایی اوت ۱۹۳۹ نمایانگر تغییرهای متعدد در موضع‌گیری‌ها و باورها بود. نام اصلی‌اش اریک آرتور بلیر بود. در ۱۹۰۳ در بنگال به دنیا آمد و یگانه پسر یکی از کارمندان «اداره‌ی افیون» در حکومت هند بود و خواهری بزرگ‌تر و خواهری کوچک‌تر داشت. او را، مثل اکثر فرزندان، آن‌چه او بعدها «طبقه‌ی مرفه پایین‌دست» نامیدشان، به دبستانی به نام سنت سپیریان فرستادند که آن‌جا، بنابر روایت زندگی‌نامه‌ای شخصی که کمی پیش از مرگ نگاشت، بسیار ناخشنود بود. بورس تحصیلی‌ای که او را به مدرسه‌ی ایتن^۱ کشاند نظرش را عوض نکرد و بر این باور ماند که نیازهای اولیه برای کسب موفقیت در زندگی عبارت‌اند از «پول، اندامی ورزشکاری، لباس‌های خیاط‌دوز برانزنده و لیخنندی دلنشین»؛ و او هیچ کدام‌شان را ندارد، زیرا ضعیف، زشت، گوشت‌تلخ و بزدل است. نظرِ همدوره‌ای‌هایش در ایتن جز این بود: مثلاً، سیریل کانلی^۲، اورول را نه وصله‌ی ناجوری مطرود که یاغی می‌دید. با این حال، نوجوان سرکش و شورشی برای معیارهایی که سنت سپیریان و ایتن ترویج می‌کردند حرمت قائل بود و احساسی به امپراتوری بریتانیا داشت که می‌شد آن را محبت‌آمیز یا میهن‌پرستانه نامید. پنج سال در برمه به پلیس امپراتوری خدمت کرد، و اقدامش از سر اختیار بود نه اجبار، هر چند بعدها گفت که «از امپریالیسمی که با تلخ‌کامی نهانی در خدمتش بودم احساس بی‌زاری می‌کردم.»

جای تردید نیست که سرانجام از آن نفرت پیدا کرد، و مردی نبود که با احساس‌های نیم‌بند و موقعیت‌های متزلزل کنار بیاید. پس از آن که از آرمان امپراتوری روی‌گردان

شد، بی‌حاصل کوشید با تنگ‌دست‌ترین و نگون‌بخت‌ترین اقبشارِ جامعه پیوند بیابد. «آن زمان گمان می‌بردم یگانه فضیلت همانا عدم موفقیت و شکست است»، و در جست‌وجوی تیره‌روزی چند هفته‌ای را با رازک‌چینان گذراند، مدتی کوتاه با بی‌خانمان‌ها زندگی کرد، و کوشید به جرم بدمستی به زندان بیفتد. هجده ماه ساکن پاریس شد و اوقاتش را به نوشتن سپری کرد بی‌آن‌که موفقیتی نصیبش شود؛ شرح این ایام را در نخستین کتابی که از او منتشر شد، آس و پاس در پاریس و لندن، آورده. نتیجه‌ی کار چندان مورد پسند یا مایه‌ی مباهاتش نبود، و تصمیم گرفت به جای نام واقعی‌اش از اسم مستعار استفاده کند. چهار اسمی را که در نظر داشت با ناشرش ویکتور^۱ در میان گذاشت و گفت «شخصاً جورج اورول را ترجیح می‌دهم.» انتخاب گالنس نیز همین بود و به این ترتیب در ۱۹۳۳، نام جورج اورول موجودیت پیدا کرد و بر روی جلد نشست. از آن پس، گرچه دوستان قدیمی‌اش او را همچنان اریک صدا می‌زدند، رفقای جدیدش، مثل من، او را فقط به اسم جورج می‌شناختند.

زندگانی ادبی اورول پس از انتشار آس و پاس و در سال‌های پیش از جنگ نمایانگر بلا تکلیفی‌ها، سردرگمی‌ها، آغازهای نوبه‌نو و آغازهای کاذبی است که تقریباً تمامی اصحاب قلم وابسته به جناح چپ، طی آن سال‌های سیاست‌زده، ناگزیر گرفتارشان می‌شدند. طی آن مدت چهار رمان منتشر کرد که همگی از فروش و نقد‌هایی مقبول برخوردار شدند بی‌آن‌که هیچ‌کدام موفقیتی چشم‌گیر به شمار بیاید. جاده‌ای به اسکله‌ی ویگان نیز حاصل همین ایام است. بخش نخست این کتاب سفارشی با موضوع زندگی مشقت‌بار معدنچیان تحسین و تأیید روشنفکران چپ‌گرا را برانگیخت، اما بخش دومش با موجی از نارضایتی شدید مواجه شد، زیرا اورول کسانی را آماج حملات گزنده‌اش کرده بود که آنان را «قبیله‌ی مهیب زنان کله‌شوق و آب‌میوه‌نوشان ریشو و صندل‌پوش» می‌نامید که جاذبه‌ی مغناطیسی سوسیالیسم و واژه‌ی پیشرفت همان‌طور به خود می‌کشاندشان که «مگس‌های گنده را گریه‌ی مُرده.»

جنگ داخلی اسپانیا او را به آن کشور کشاند تا در حمایت از جمهوری مبارزه کند،